

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ
وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

شناخت نامه برده و آزاده ۱

اخلاق بردگان
و
اخلاق آزادگان

عبدالعظیم کریمی

www.saberinbooks.ir

پیش گفتار

در فرهنگ واژگان، واژه "آزادگی" با تعبیری چون جوانمردی، نجابت، شرافت و مروت تعریف شده است^۱ و "بردگی" درست در نقطه مقابل این تعریف قرار می‌گیرد که نشان از مرزبندی فرهنگی و رفتاری افراد "آزاده" در مقایسه با "بردگان" دارد.

اما آنچه معمولاً در اذهان و افکار رایج مطرح است شباهت و مجاورت بین دو واژه آزادی و آزادگی است. حال آنکه این دو مفهوم از نظر گستره و ژرفای معنا و خاستگاه و پایگاه شکل‌گیری از ناهمانندیهای غیرقابل انکاری برخوردار است.

۱. دهخدا - علی اکبر. ج ۱ - ص ۸۳ /

"آزادی" در برابر "اسارت" غالباً با بار حقوقی و اجتماعی همراه است و معنای آن با رهایی تن و جسم آدمی از اسارتها و حصارهای بیرونی شکل می‌گیرد. حال آنکه "آزادگی" بیش از آنکه رهایی جسم و تن آدمی از زندان بیرونی باشد، رهایی عقل و اندیشه و احساس او از زندان درون، و آزادی روح و روان او از بند کشش‌های فروکاهنده غریزی و نفسانی است.

آزادگی در اینجا "آزادی درونی" و استعلا یافتن از زمان و مکان، با عبور از محدودیتهای بازدارنده رشد و تعالی آدمی معنا می‌یابد.

به عبارت دیگر آزادگی، آزاد شدن آدمی از "خود"، رهایی از "تعلقات"، و پشت پا زدن به پای بندیهایی است که او را از بالندگی، خلاقیت، نوآوری و نوزایی بازمی‌دارد.

از این رو آزاده کسی است که ذهن و دل خود را از همه "بستگی"ها رسته، و به آنچه او را آزاد و رها می‌کند، معطوف می‌سازد.

اما "برده" و "بردگی" درست خلاف این مسیر را طی می‌کند و از این روست که در طول تاریخ اندک کسانی بوده‌اند که به مقام والای "آزادگی" نائل آمده

باشند؛ زیرا بهای ورود به مقام آزادگی خروج از همه حالات و مقاماتی است که آدمی را با خود به اسارت می برد و این خروج در حکم "مردن از ادنی" و "زنده شدن به اعلی" است. مردن از "زندگی دنیوی" و زنده شدن به "زندگی مینوی"؛ مردن از "ذهنیت‌ها" و "آموخته‌های" حجاب‌زا، و زنده شدن به بی‌نقشی و بی‌آلایشی "حجاب‌زدا" می باشد.

پیشینه و تاریخ ادبی و عرفانی ما نشان از شخصیت‌های اسطوره‌ای و نمادینی دارد که هریک به نوعی نمایانگر مفهوم آزادگی در جلوه‌های گوناگونی بوده است.

۹

در دیوان حافظ، آزاده و آزادگی را می توان با "رند" و "رندی" هم خوان و هم داستان کرد. رند بر اساس آنچه حافظ از آن تصویرگری می کند با ظاهری چندگانه و متناقض، اما در باطن بسیار یگانه و متعادل، و در عین پای بندی به اصول، رها از هر قید و بند معرفی شده است تا آنجا که به "لاابالی‌گری" نیز شهرت دارد و در عین عافیت طلبی "اسیر عشق شدن چاره‌رهایی اوست". در عین اخلاقی بودن، با اخلاقیات رایج در می افتد، در عین دینداری، از بند

دین ظاهری آزاد است. در عین زیستن در زمان و مکان خود، از قید زمان و مکان آزاد است. آزاده‌ای که از بند دو جهان و قید سود و زیان نیز آزاد است. در "فرهنگ قرآنی" شاید بهترین و زیباترین واژه‌ای که بتوان به مفهوم آزادی نزدیک دانست واژه "تقوی پیشگی" و "پارسایی" باشد که آزادی و آزادی انسان را در بلندترین و غنی‌ترین وجه خود به نمایش می‌گذارد آنجا که مولای متقیان و پیشوای آزادگان، علی (ع) می‌فرماید:

به راستی که تقوی و پرهیزگاری گشایش‌گر هر در بسته و ذخیره‌ای برای روز بازگشت و رستاخیز، و عاملی برای آزادی از هرگونه بردگی و هلاکت می‌باشد.^۱

آزادی در آیین عارفان و صوفیان به همان معنا اما به گونه‌ای دیگر ظاهر می‌شود و نزدیک‌ترین مقام عرفانی به آن، مقام "درویشان" است که با "زهد" و "وارستگی" از یک سو، و فتوت و جوانمردی از سوی دیگر هم‌نشین می‌شود. در واقع، پهنای و ژرفای معنا و مفهوم آزادی در دوره‌های تاریخی، و از

۱. غرر الحکم - ص ۲۷۲/

دیدگاههای فرهنگی و دینی و عرفانی جلوه‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. بدین سان "آزادگی" واژه‌ای چندگونه، چندلایه و چندساحت، و در عین حال پویا و سیالی است که از نظر تبارشناسی تاریخی و سیر تحول معنایی آن در فرهنگ و عرفان ایران زمین بسیار غنی و شگفت‌انگیز می‌نماید. در این شناخت‌نامه تلاش شده است که گفتمان "برده" و "آزاده" در قالب تک‌نگاشت‌های متوالی، همانندیها و ناهمانندیهای نهفته در رفتار و اندیشه "بردگان" را با رفتار و اندیشه "آزادگان" به مشاهده و مقایسه بگذارد تا از این طریق وجه تمایز بین "شخصیت برده" و "شخصیت آزاده" در نزد فرزندانگان و فرهیختگان وارسته آشکار گردد.

مجموعه حاضر که به مقایسه و هم‌بینی اخلاق بردگان در مقابل اخلاق آزادگان می‌پردازد جلد نخست این مجموعه کوچک را تشکیل می‌دهد. باشد که بازخوانی شهودی آن ما را در پیمودن "طریقت اخلاق آزادگان" در این دنیای "برده‌پرور" و "برده‌ساز" یاری رساند.